کیهان

فرمانده نیروی انتظامی: سران فتنه مراقب باشند جمل را به نهروان تبدیل نکنند

۲ ساعت گپ و گفت کیهان با سردار احمدی‌مقدم

رحیم چوخاچی زاده مقدم

امنیت اجتماعی از موضوعات ریشه‌ای و جدی در هر فرهنگ و تمدن و از نیازهای حیاتی در هر جامعه است.اگرچه فرهنگ‌ها در برخی از ارزش‌ها و هنجارها دارای وجوه افتراق می‌باشند اما در عین حال وجوه بسیار مشترکی هم دارند که امنیت اجتماعی یکی از مهمترین آن‌ها به شمار می‌آید.

در نگرشی عمیق‌تر، امنیت شاید از آب و غذا هم پراهمیت‌تر باشد زیرا اگر این نیاز اجتماعی تأمین نشود و همواره جان و مال و ناموس و آبروی افراد در معرض تعدی و هتک قرار گیرد لذیذترین غذاها نیز نمی‌تواند امید به زندگی در انسان را احیا کند، با همین نگاه به پای صحبت‌های سردار اسماعیل احمدی مقدم ششمین فرمانده نیروی انتظامی کشورمان نشستیم.

فرمانده ۵۱ ساله نیروی انتظامی حکم انتصابش را در سال ۱۳۸۴ از دست رهبر معظم انقلاب گرفته است و مدرک کارشناسی ارشد علوم اجتماعی و دکترای مدیریت استراتژیک از دانشگاه عالی دفاع ملی را در کارنامه علمی خود دارد.

وی پیش از این در جایگاه‌های مختلفی از جمله ریاست دانشگاه علوم انتظامی و معاونت هماهنگ کننده این نیرو قرار داشته است و مدتی هم در مسئولیت معاونت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج و ریاست منطقه مقاومت بسیج تهران انجام وظیفه کرده است.

وی در دوران مدیریتش یعنی از سال ۸۴ تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را سپری کرده است، اما به گفته خودش مهم‌ترین آن فتنه ۸۸ است. او معتقد است این فتنه اگرچه تلخ بود اما عرصه آزمایشی بود برای بسیاری به ویژه برای برخی از مدیران نظام.

مشروح این گفت‌وگو را در زیر بخوانید:

*** خیلی وقت بود که به شدت نیاز به گفت‌وگو با شما داشتیم ولی مثل اینکه این روزها سر شما خیلی شلوغ‌تر شده است. خصوصا با توجه به شرایطی که اخیرا در رابطه با موضوع فوت وبلاگ نویس پیش آمده است؟.**

احمدی‌مقدم: با توجه به تعدد وظایفی که برعهده این نیرو است همیشه خدا سرما شلوغ است و این مسئله اخیر هم جزو یکی از کارهایی است که در حال انجام و بررسی جدی آن هستیم.

*** شما در یک جایی صحبت از ۱۰۰ وظیفه برای نیروی انتظامی کرده بودید. نیروی انتظامی واقعا این همه وظیفه و تکلیف برعهده دارد؟.**

احمدی‌مقدم: تعداد وظایف ما "لاتعد و لا تحصی" است، اگر بنا باشد بشماریم، خیلی بیشتر از این‌ها می‌شود.

*** بنده با توجه به همین تعدد وظایف است که حدود ۷۰ سوال اساسی از شما با خودم آورده‌ام و واقعا مانده‌ام از کجا شروع کنم و چگونه سوال کنم تا مخاطبین را هم بتوان راضی کرد. این همه سوال قطعا حداقل ۳ ساعت وقت می‌خواهد که شما این فرصت را به ما نمی‌دهید، می‌دهید؟**

احمدی‌مقدم: طبعا نمی‌توان همه این سوالات را در یک جلسه انجام داد. از سوالات آسان شروع کنید تا ببینیم چه پیش می‌آید.

*** آقای احمدی مقدم اهل کجا هستید؟**

احمدی‌مقدم: پدرم اهل سبزوار است.

*** و خودتان ...؟**

احمدی‌مقدم: متولد تهران و بزرگ شده همین شهرهستم.

*** بنده بخشی از بیانات حضرت آقا را قرائت می‌کنم که در سال ۸۰ در مراسم تنفیذ رئیس دولت اصلاحات، محکماتی را در پیرامون ضرورت مقابله با شیوع منکرات در جامعه بیان کردندکه فکر می‌کنم همین سخنان منشوری بود برای همه دوران‌ها که اگر مایل باشید همین بیانات را محور اصلی سوالات قرار می‌دهیم؟.**

احمدی‌مقدم: موافقم.

*** حضرت آقا در این جمع فرمودند: "... ما خوب می دانیم، این جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه‌داشت. این به جای خود درست، اما با شیوع منکرات و با تظاهر به‌آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکب منکر را نصیحت و هدایت می‌کند اما حد هم برای او می گذارد. با صرف زبان و توصیه نمی‌شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلوی سیر فحشا و فساد را بگیرد. اجازه ندهیدکه هوس‌های یک عده‌ای معدود که یک گروه کوچک و اندک در داخل جامعه هستند و هیچ انگیزه‌ای جز فساد ندارند، موجب اغوای ذهن و فکر دختر و پسرجوان و مرد و زن مؤمن شوند. شما باید جلوی آن گونه افراد را بگیرید. همه مسئولان بخش‌های مختلف کشور در این زمینه مسئولند، از جمله نیروی انتظامی". با توجه به این فرمایش آقا اولین سوال را ازخودتان و خانواده‌تان شروع می‌کنم. شما چند تا بچه دارید ؟**

احمدی‌مقدم: اگر خدا بخواهد ۵ بچه دارم. سه پسر و دو دختر. بعضی از آن‌ها تشکیل خانواده داده‌اند و چندتایی هم منتظر موقعیت مناسب هستند تا خدا چه مقدر کند.

*** خانواده با توجه به اینکه سرپرستشان فرمانده کل نیروی انتظامی است تا چه اندازه احساس امنیت می‌کنند، آیا تا به حال شده از نبود امنیت احساس خطر کنند و به شما گلایه کنند؟.**

احمدی‌مقدم: بستگی به این دارد که منظورتان از امنیت چه باشد.

*** شما چه تعریفی از امنیت دارید؟**

احمدی‌مقدم: من معتقدم امنیت یک موضوع نسبی است و قرار نیست در حیات بشری امنیت مطلق داشته باشیم. امنیت مطلق مربوط به بهشت است و راه یافتگان به آنجا در جوار حضرت حق در امنیت مطلق به سر می‌برند. نا امنی‌هایی که ما در نیروی انتظامی به آن‌ها قائل هستیم در واقع ظلم بشر به بشر است یعنی ایجاد نا امنی توسط انسان علیه هم نوع خودش وگرنه حمله حیوانات به انسان، باد و طوفان و زلزله و از این قبیل از جمله نا امنی‌هایی است که همیشه ذهن بشر را همواره آزار می‌دهد یا ناامنی اقتصادی و خشکسالی یا موارد بی‌کاری و اشتغال آینده دغدغه‌هایی است که همواره ذهن بشر را آزار می‌دهد و همیشه در فکر زدودن این ناامنی‌هاست. به قرآن هم که مراجعه کنید ناامنی را در آن به دو صورت خواهید یافت یکی از بعد اقتصادی یعنی فقر و دیگری مزاحمت و زحمتی است که انسان‌ها برای یکدیگر و دیگران ایجاد می‌کنند. بنابراین ما نمی‌توانیم جامعه‌ای را مثال بزنیم که امنیت در آن مطلق باشد. پس نسبی بودن امنیت را به عنوان یک اصل باید بپذیریم.

*** اما امنیت جنبه‌های مختلفی دارد و برای برخی از آن‌ها که از محکمات دین به شمار می‌روند نمی‌توان از ترازوی نسبت یا درصد استفاده کرد مثل حجاب کامل برای زنان . نمی‌توان با استفاده از واژه‌هایی مثل "بد حجاب" یا "حجاب نیم بند" این اصل محکم قرآنی را نسبی عنوان کرد، حتی در قانون مجازات اسلامی هم به این مسئله تاکید شده است؟.**

احمدی‌مقدم: بله، اما امنیت یک جنبه عینی دارد و یک جنبه ذهنی. جنبه عینی آن مثال آدمی است که همنوع خودش را با چاقو می‌کشد یا سارقی است که اموال کسی را به سرقت می‌برد یا مزاحمت ناموسی فراهم می‌کند یا با فریب و نیرنگ خلق‌الله را به دامن مواد مخدر، مشروبات الکلی و فساد سوق می‌دهد . حوادث این بخش قابل شمارش هم می باشد و به راحتی می‌توان آمار آن را در آورد و به تفکیک نوع جرایم درصدهای آن را مشخص کرد و در یک مقایسه دقیق عنوان کرد که کشور امسال نسبت به سال گذشته چند درصد امن‌تر یا ناامن‌تر بوده است. مثلا سال‌های ۸۸ و ۸۹ سال‌های خیلی بدی بودند. در جریان فتنه جرایم ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد. چرا؟! چون نیروهای ما درگیر حل مشکلاتی شدندکه فتنه‌گران به وجود آورده بودند. نتیجه این شد که مجرمین هم احساس کردند آزادی عمل دارند و متجری شدند و دو سال طول کشید تا توانستیم امنیت اجتماعی را به نقطه اولش بازگردانیم.

ببینید! در بخش اقتصادی هم همین طور است، زمانی که هدفمندی یارانه‌ها اعلام شد شاهد کاهش سرقت بودیم و درست بعد از یک سال وقتی مشکلات اقتصادی و مسئله گرانی‌ها پیش آمد آمار سرقت نیز بالا رفت. اما جنبه‌های ذهنی ناامنی امروز متفاوت از جنبه قبلی است و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است به این معنی که وسعت و برد رسانه موجب شده است که اگر در یک گوشه دنیا اتفاق هولناکی بیفتد نه تنها مردم آن منطقه بلکه مردم دنیا هم می‌ترسند و نگران می‌شوند.

*** رقم قتل‌هایی که در سال در کشور رخ می‌دهد به چند فقره می‌رسد؟**

احمدی‌مقدم: سالیانه در کل کشور حدود دوهزار قتل صورت می‌گیرد که ۱۰۰ تا ۱۲۰ فقره آن مربوط به تهران است که با توجه به جمعیت تهران این رقم عدد بزرگی نیست. البته همه این قتل‌ها هم در کف خیابان نبوده است یعنی به این معنا که یکی را بگیرند و ببرند بکشند رخ نمی‌دهند بلکه نوعا درگیری‌های ناشی از نزاع‌های خانگی و اختلافات عادی به این قتل‌ها منجر می‌شود، اما می‌بینیم که احساس نگرانی نسبت به قتل و جنایت همواره در کل جامعه وجود دارد. آمار سالیانه سرقت مسلحانه در کشور خیلی پایین است ولی وحشت از آن خیلی بیشتر است یا آدم ربایی درکشور رقم خیلی پایینی را به خود اختصاص می‌دهد و طولی نمی‌کشد که به شکر خدا همه آن‌ها هم کشف می‌شوند ولی مردم فکر می‌کنند بچه‌هایشان که الان در خیابان راه می‌روند، هرآن ممکن است مورد ربایش قرار گیرند یا چون درصدی از مردم مبتلا به مواد مخدر هستند مدام فکر می‌کنند که فرزندانشان در معرض خطر هستند. بنابراین بعد ذهنی ناامنی بسیار مهم‌تر از جنبه عینی آن می‌باشد و باید مدیریت شود.

*** توسط چه کسانی باید مدیریت شود؟**

احمدی‌مقدم: توسط ما مسئولین. توسط دستگاه‌هایی که قانون در خصوص پیشگیری از جرم در کشور وظایفی را برعهده‌شان گذاشته است. یکی از این دستگاه‌های مهم رسانه‌ها هستند، اما متاسفانه همان طور که شاهد هستیم، برخی از همین رسانه‌ها از عوامل اصلی دامن زدن به این مسئله هستند. شما روزنامه‌نگار هستید بهتر می‌دانید که سرویس حوادث از پرخواننده ترین سرویس‌های یک رسانه است. حالا نصف صفحه یا نهایتا یک صفحه برای درج این گونه موارد قابل توجیه است اما آیا کار روزنامه‌ای که هشت صفحه خود را اختصاص به این مقوله می‌دهد و نام آن را هم "شوک!" می‌گذارد، قابل تامل نیست؟!. باید از این‌ها پرسید که اصلا شوک برای مردم چیز خوبی است یا بد است؟! این‌هایی که گفته می‌شود و نوشته می‌شود، حتی اگر برای مردم عبرت آموز هم باشند ولی انتشار بی حد آن‌ها به نحوی که احساس خطر و ناامنی را همواره همراه مردم کند از موارد غلطی است که امروزه بخش بزرگی از انرژی نیروی انتظامی را به خود معطوف کرده است. این از موارد مهمی است که حضرت‌آقا هم در دیداری که دوسه سال پیش در محضرشان بودیم بر آن تاکید داشتند و به بعد امنیت روانی و مدیریت آن اشاره مدبرانه‌ای کردند و نقل به مضمون فرمودند؛ ما نباید خودمان به این معضل دامن بزنیم و با پراکندن اخبار نگران‌کننده، مردم را بیش از آنکه لازم است نگران کنیم.

*** بنده اصلا منکر این نیستم که متاسفانه برخی رسانه‌ها نقش برجسته‌ای در این زمینه داشته و دارند. اما فکر می‌کنم روزنامه کیهان همیشه تلاش کرده این گونه نباشد. این قاعده قریب به دو دهه تا امروز در این روزنامه رعایت می‌شود. سوالی که برای بنده مطرح است میزان موفقیت شما در تامین امنیت اجتماعی است و تکرار این سوال که خانواده شما تا چه اندازه از امنیتی که شما به عنوان فرمانده نیروی انتظامی برایشان فراهم کرده‌اید راضی یا گله‌مند هستند؟**

احمدی‌مقدم: همان طور که پیش از این هم گفتم امنیت نسبی است بنابراین میزان موفقیت ما نیز به صورت نسبی قابل ارزیابی است.

*** اما قشر متدین جامعه که در پیروزی انقلاب نقش بسیار تعیین کننده‌ای داشته‌اند و بعد از انقلاب نیز تاکنون همچنان علمداری این نظام را در تمامی سختی‌ها و مشکلات بردوش دارند این احساسی که شما از آن صحبت می‌کنید، نمی‌کنند و نسبت به پایین بودن امنیت اخلاقی و جانی در جامعه نگران و همانطور که مشاهده می‌کنید هرازگاهی نیز اعتراض خود را علنی می‌کنند و از اینکه در جمهوری اسلامی نمی‌توانند با آرامش خاطر به پارک بروند یا با خیال راحت در محیط‌های عمومی حضور داشته باشند ناراحت هستند. آیا واقعا به دور از عدالت نیست که این قشر حداکثری مردم به خاطر زیاده خواهی عده قلیلی نتوانند از دستاوردهای انقلابی که خودشان به ثمر رساندند استفاده کنند؟**

احمدی‌مقدم: باز به این بستگی دارد که شما امنیت را از چه زاویه‌ای و با چه نسبتی ببینید. [illegible] کسی هست که برای شما و خانواده مزاحمت ایجاد کند یا مثلا خدای نکرده با چاقو بخواهد مزاحمتی برای شما ایجاد کند؟ متلک بگوید یا کار خاصی بکند یا اینکه این احساس وجود دارد که آزار دهنده باشد؟

*** یواشکی که نمی‌شود فساد را از کشور پاک کرد، مگر این بدحجاب‌ها یواشکی آمده‌اند در خیابان خودنمایی می‌کنند و به فساد و انحراف این جامعه مشغول هستند؟!**

*** آیا کار روزنامه‌ای که ۸ صفحه خود را اختصاص به حوادث می‌دهد و نام آن را هم «شوک!» می‌گذارد قابل تامل نیست؟! باید از این‌ها پرسید که اصلا شوک برای مردم چیز خوبی است؟!**

*** بله، چون اولا همه مواردی که الان شما به آن‌ها اشاره کردید در جامعه بارها اتفاق افتاده و می‌افتد و دوم اینکه خودتان در سوالات قبلی برای ناامنی دو جنبه عینی و ذهنی قائل شدید و هردو را مهم و نیازمند به مدیریت توصیف کردید. این‌طور نیست؟**

احمدی‌مقدم: پس لازم شدکه یک مقایسه حسی بکنیم و تهران را مقایسه بکنیم با پایتخت یک کشور اروپایی . ساعت ۷ بعداز ظهر ببینید چقدر جمعیت در خیابان‌های یک کشور اروپایی در حال قدم زدن هستند. خواهید دید که بسیار اندک هستند. اما در خیابان‌های ما اینطور نیست تا نیمه شب هم انبوه جمعیت در خیابان‌ها در حال آمد و شد هستند. احساس ناامنی هم نمی‌کنند.

*** شما چرا ایران اسلامی را با کشورهای اروپایی مقایسه می‌کنید؟ چرا با کشورهای اسلامی مثل مالزی و اندونزی مقایسه نمی‌کنید؟**

احمدی‌مقدم: فرقی نمی کند . منظور من این است که با حد سیات نمی‌توان پی به واقعیت برد چون ما بالاخره در سال یکی دوبار به سنجش وضعیت می‌پردازیم و نظرسنجی‌هایی در این باره می‌شود. این نظرسنجی‌ها نظر شما را تایید یا چنین احساسی را روایت نمی‌کند. شما به دنبال پاسخ‌های گرد شده و مطلق نباشید. چنین پاسخی اصلا وجود ندارد و همان طور که گفتم همه چیز نسبی است و مطلق هرچیزی را نمی‌توانید اینجا به دست آورید. در این یک دهه گذشته همواره کاهش جرم در جامعه داشته‌ایم و در مقابل، احساس امنیت رو به افزایش بوده است. این را ما نمی‌گوییم خود مردم می‌گویند، مراکز تحقیقاتی دانشگاهی می گویند. مثلا بنده که تهرانی هستم معتقدم که احساس امنیت در اردبیل بیشتر از شهر بنده یعنی تهران است. معتقدم که اگر در یک دهه گذشته ۳۹ درصد احساس امنیت وجود داشته است در پایان سال ۹۰ این رقم به حدود۵۹ درصد رسیده که البته صد نیست و هنوز جای کار دارد. پس ما باید دیدگاه کل مردم را بگوییم و باید از خودشان سؤال کنیم. سوالمان هم باید به روش‌های علمی باشد.

*** گلایه شما از رسانه‌ها از چه جنسی است، یعنی فکر می‌کنیدکه رسانه‌ها درکنار شما نیستند؟**

احمدی‌مقدم: نه خیر، این مقدار اشکالاتی هم که دیده می‌شود برمی‌گردد به نوپایی رسانه‌ها در کشورمان. به هرحال ما بعد از انقلاب یک دفعه با فضای باز مطبوعات و سپس با فضای مجازی مواجه شدیم. شما الان هر جا می‌روید با انبوهی از خبرنگاران مواجه می‌شوید که مربوط به روزنامه‌ها، سایت‌ها، پایگاه‌های خبری و خبرگزاری‌ها هستند و همه هم می‌خواهند رقابت کنند، همه می‌خواهند حرف اول را بزنند، حرف نو بزنند و درعین حال حرفی هم که می‌زنند می‌خواهند داغ باشد تا بتوانند بیشترین مخاطب را داشته باشند، اما متاسفانه رشد کمی رسانه‌ها متناسب با رشد کیفی آن‌ها نیست و اخلاق رسانه‌ای ما رشد نکرده است و در این زمینه بایک تأخر فرهنگی مواجه هستیم. هیچ جای دنیا رسانه‌ها آزادی عمل به آنگونه که ما فکر کنیم که هر کاری دلشان می‌خواهد می‌توانند بکنند ندارند. موظف هستند که در یک چارچوبی که ضامن منافع ملی و امنیت ملی باشد فعالیت کنند. یعنی هیچ رسانه‌ای حق ندارد مثلا امنیت روانی و اخلاقی جامعه را به خطر اندازد یا بدآموزی کند. هیچ جای دنیا اجازه نمی‌دهند که رسانه‌ای اخبار حوادث را طوری به مخاطبین منتقل کند که انگار راه‌های سرقت را آموزش می‌دهد. البته اصلا منظورم این نیست که بگوییم همه رسانه‌های ما این کار را می‌کنند، ولی این‌گونه رقابت‌های بعضا ناسالم موجب شده است که برخی به دنبال خبرهای داغ باشند حالا خبر داغ ممکن است به قیمت بردن آبروی یک نفر باشد. خب این به لحاظ اخلاقی با فرهنگ اسلامی ایرانی‌مان که بالاخره باید آداب شرعی را هم در انتشارهایمان رعایت کنیم، سازگاری ندارد.

*** در جریان فتنه ۸۸ جرایم ۴۰ درصد افزایش یافت. چون نیروهای ما درگیر مشکلاتی شدند که فتنه‌گران به وجود آوردند. نتیجه این شد که مجرمین هم احساس کردند آزادی عمل دارند.**

*** در مورد رسانه ملی هم همین نظر را دارید؟**

احمدی‌مقدم: بله، اما با ما خیلی همکاری دارد و کمک می‌کند. به هرحال این رسانه هم مشکلات و محدودیت‌هایی برای خودش دارد. نمی‌خواهم از تمامی تولیداتشان دفاع کنم ولی صداو سیما از جمله سازمان‌هایی است که با ما همراهی و همفکری می‌کند.

*** انتقاد بنده به صدا و سیما دامن زدن به برخی ناهنجاری‌های اجتماعی و تبلیغ برخی رفتارها و پوشش‌های غربی و غیر ارزشی در فیلم‌ها و سریال‌های داخلی است.**

احمدی‌مقدم: حالا من نمی خواهم متعرض این شوم چون بالاخره آن جا هم شورای سیاست گذاری دارد.

*** نیروی انتظامی هم در این سیاست‌گذاری‌ها حضور دارد؟**

احمدی‌مقدم: من در سیاست گذاری نیستم ولی بالاخره در جلسات متعدد دیگری با مسئولان این سازمان تعامل خوبی داریم. اگر برای حضور در این جلسات هم دعوت شویم قطعا مشارکت خودمان را بیشتر خواهیم کرد. ما با برخی مشکلات صداو سیما که معتقد هستند در تولید فیلم و سریال و برنامه‌های متنوع باید همه مخاطبان را در نظر بگیرند آشنا هستیم. ما هم فکر می‌کنیم برخی مواقع زوم کردن روی ارزش در فیلم‌ها و سریال‌ها جامعه را تبدیل به ضد خودش می‌کند.

مثلا در همین سریال اخیر "راستش را بگو" زیاده از حد از خانم‌های چادری استفاده کرده بود شاید بعضی وقت ها خودش زدگی هم ایجاد کند و تبدیل به ضد خودش شود یا به قول برخی از مدیران صداوسیما نمی‌توان و نباید سریال‌ها را ویژه یک گروه از مخاطبان کرد. البته روش های هنرمندانه تری هم می تواند وجود داشته باشد که با هزینه نسبتا بیشتری حتما نتایج بهتری می‌توان گرفت. یکی از مواردی که به نظر مردم متدین از باورپذیری کمتری برخوردار است ایفای نقش برخی افراد در قالب‌های بسیار ارزشی است درحالی که در بیرون از این نقش در زندگی عادی خودشان این گونه نیستند و مردم آن را می‌دانند. اگر منصفانه به این مسئله نگاه کنیم به پیچیدگی آن پی خواهیم برد و از جمله محدودیت‌ها و مشکلاتی که صداوسیما و کلاعرصه هنر با آن دست به گریبان است ولی حتما می‌توانند بهتر از این عمل کنند.

کیهان: نظر شما درباره این جمله فارغ از این که چه کسی گفته چیست؟ «شما به جای بستن رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها بروید کار فرهنگی بکنید و بگذارید مردم خودشان راه خودشان را انتخاب کنند...».

احمدی‌مقدم: این یک تفکر و نگاه لیبرالی از جنس فرهنگی است. این‌ها خیال می‌کنند که غربی‌ها و هالیوود بیکار می‌نشینند تا مردم راه خودشان را پیدا کنند.

*** گفته می‌شود که شما گفته‌اید؛ پلیس این حق را دارد که وارد مشاعات ساختمان‌های هدف شود. در صورتی‌که مشاعات برای اهالی ساختمان مشاع می‌باشد نه برای اهل بیرون از خانه که اگر این طور بود سارقین نیز می‌توانند در محکمه از این استدلال به نفع خود استفاده کنند. در این رابطه چه توضیحی دارید؟**

احمدی‌مقدم: نه خیر، برداشت از سخنان بنده کاملا نادرست بوده و چنین چیزی نگفته‌ام. این مسئله در مورد جمع آوری ماهواره‌ها مطرح است و اتفاقا تاکید کرده‌ام که ورود به مشاعات هم باید با حکم قضایی باشد و پلیس حق ندارد وارد جایی شود که درآن بسته است. بنده نیروی انتظامی را منع کرده‌ام که بدون اذن مالکان وارد خانه‌ها شوند اما ورود به مشاعات ساختمان‌ها را با حکم قضایی را ممنوع نکرده‌ام حتی اگر مالکین ساختمان راضی به آن نباشند. بنابراین ورود پلیس به خانه‌های مردم طبق ضابطه صورت می‌گیرد. مثلا در طرح جمع‌آوری دیش‌های ماهواره‌ای تنها اجازه برداشتن دیش‌ها از پشت بام‌ها آن‌هم با حکم قضایی داده شده است و به دلیل بسیاری از ملاحظات و حفظ حریم خصوصی مردم اجازه جمع‌آوری رسیورهای دریافت ماهواره که نیاز به ورود به این حریم‌هاست داده نشده است.

*** روند جمع آوری دیش‌ها هنوز ادامه دارد؟**

احمدی‌مقدم: بله یک وظیفه قانونی است. داشتن دیش ماهواره‌ای ممنوع است، از جرم‌های مشهود است و ما موظفیم با جرم‌های مشهود برخورد کنیم. حکم قضایی هم نمی‌خواهد.

*** به صورت رندمی این کار را می‌کنید؟**

احمدی‌مقدم: رندمی نیست. این مسئله در شهرهای کوچک‌تر هنوز شیوع پیدا نکرده است لذا کنترل آن آسان‌تر است. مشکل ما کلان‌شهرها به ویژه تهران است که چون در این رابطه کسی دستگیر نمی شود و پرونده برایش تشکیل نمی‌دهیم اثر کار نیز کمتر است، اما در بسیاری از شهرهای کوچک تجری کمتر است یعنی وقتی که شما جمع می‌کنی درصد بسیار کمتری دوباره دیش تهیه می‌کنند. طبق آمارهای دقیقی که به من داده‌اند پلیس دیش‌های ماهواره‌ای برخی از محله‌های کلان‌شهرها را بعد از شش ماه دوباره جمع‌آوری می‌کند اما این مسئله در شهرهای کوچک صادق نیست.

*** چرا با استفاده از این قانون مالکین خانه‌ها و دفاتر املاک را موظف نمی‌کنید که ملک را به کسانی اجاره بدهند که در این رابطه تابع قانون باشند. رعایت همین مسئله بخش بزرگی از مشگل نیروی انتظامی را حل خواهد کرد.**

احمدی‌مقدم: این سوال را باید از دستگاه قضایی بپرسید. ما خودمان در این رابطه از دستگاه قضایی گله‌مند هستیم. دستگاه قضایی حتی در این خصوص حداقل‌ترین جریمه‌ای که برای این موضوع در نظر گرفته اجرایی نمی‌کند. می‌توانید آمارش را از قوه قضائیه بگیریدو بپرسید که چند نفر تا به حال جریمه شده‌اند. همین مسئله موجب شده است که فرد خاطی احساس کند که هزینه کار خلافش حداکثر این خواهد بود که نهایتا یک دیشی را از دست خواهد داد و می‌تواند با یک دیش دیگر جایگزین کند. ماهم که موظفیم این سیکل را ادامه بدهیم.

*** اقدامات شما در خصوص عفاف و حجاب تا چه اندازه با قانون منطبق است؟.**

احمدی‌مقدم: بحث امنیت اخلاقی ابعاد مختلفی دارد مثلا مشروبات الکلی، مزاحمت، فحشا و... است اگر منظورتان بدپوششی به معنای اعم است در این مسئله خلأهایی وجود دارد. البته در اسلام و در قواعد شرعی بد پوشش یا بدحجابی وجود ندارد همه این‌ها بی‌حجابی است چه یک ذره از موی سر بیرون باشد یا کل آن، البته در بعضی از احکام شرعی در مورد روستاییان ، عشایر و غیره کمی تفاوت می‌کند و برای زنان روستایی که در شالیزارها وغیره کار می‌کنند و نوع لباسشان به هیچ عنوان به منظور تبرج جویی و جلوه گری نیست تا یک حدی تسامح به لحاظ احکام فقهی و شرعی در نظر می‌گیرند. قرآن کریم در این رابطه حکم را با قاطعیت تمام مطرح و با صراحت تمام خطاب به زنان آنان را از آشکارکردن زیبایی‌هایشان جز در برابر همسرانشان نهی کرده و حدود آن را نیز مشخص کرده است. این یک اصل قرآنی است و از محکمات است اگرچه برخی آقایان به ظاهر روحانی! که با نظام هم نوعا زاویه دارند ادعا می‌کنند که در بررسی‌هایشان به وجوب و ضرورت حجاب نرسیده‌اند و بعضی‌ها هم چسبنده بودن لباس خانم‌ها را بدون اشکال می‌بینند در حالی که قرآن تکلیف همین را هم مشخص کرده است. علی ای حال به نظر من ابعاد شرعی و قانونی مبارزه با بدحجابی و بد پوششی کاملا شفاف و روشن است و هیچ ابهامی در آن وجود ندارد و حقوق همه اقشار جامعه با توجه به دین و اعتقاد و موقعیت اجتماعی‌شان در آن لحاظ شده است و براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم نیروی انتظامی مصادیق پوشش را روشن کرده و به همه دستگاه‌ها و مردم اعلام عمومی کرده است. یکی دو دوره هم اجرایی شد و بخش اعظمی هم تبعیت کردند ولی همان طور که چند روز پیش درباره گشت ارشاد گفتم به جهت فرارسیدن مناسبت‌هایی مثل انتخابات‌های مختلف حمایت نمی‌شویم، لذا هر وقت می‌خواهیم کاری کنیم صداهای مختلف با آن دیدگاه‌هایی که گفتم یک مقداری در کارها وقفه ایجاد می‌کنند و همین افراد هستند که به تجری دامن می‌زنند.

*** این قانون شامل همه می‌شود؟ حتی شامل مسئولین و مدیران نظام هم می‌شود؟**

احمدی‌مقدم: مگر قانون استثنا دارد؟ اگر استثنایی هم در کار باشد باید قانون به آن صراحت داشته باشد که ندارد. پس استثنایی وجود ندارد.

*** در قضیه گشت ارشاد من از آن موقع که شما درگیر بعضی از مخالفت‌ها بودید پی‌گیر این جریان و تحلیل شما را دراین خصوص کاملا قبول دارم ولی این سوال پیش می‌آید که اگر کار شما قانونی بود چرا با اقتداردر مقابلشان نایستادید و چرا عقب نشینی کردید؟**

احمدی‌مقدم: اتفاقا نه عقب‌نشینی کردیم و نه متوقف شده‌ایم و همچنان این طرح در حال اجراست. اما همیشه یک سری مصالح آشکار و یک سری مصالح زمانی وجود دارد که شاید روند را اندکی کند نماید. مثلا طبیعی است در زمانی‌که لشکرکشی‌های خیابانی فتنه ۸۸ بود که اکثر اغتشاشگران از همین قماش بودند نمی‌توانستیم وسط این لشکرکشی‌ها دنبال متخلفین از قانون حجاب و عفاف باشیم. این اصلا شدنی نبود. لذا طبیعی بود که در چنین شرایطی مأموریت ما تحت الشعاع یک مصلحت بزرگ‌تر قرار گیرد و این مسئله یعنی اجرای طرح آسیب‌های اجتماعی را ۷، ۸ ماه پشت گوش انداخت، به طوری که در همین مدت کوتاه جرائمی از قبیل سرقت، جنایت و دیگر جرایم اخلاقی از جمله عفاف و حجاب ۴۰ درصد افزایش یافت.

*** کدام مصلحت‌های بازدارنده؟ اگر امکان دارد با ذکر مصداق، توضیح بیشتری بدهید.**

احمدی‌مقدم: علاوه بر مصلحت‌های خاص زمانی که یک چیزهایی را به ما دیکته می‌کند در چنین شرایطی یک سری مصالحی هم به وجود می‌آید که در مراکز تصمیم گیری به آن می‌رسند که به لحاظ کردن این‌گونه موارد در کند شدن طرح قانونی عفاف و حجاب بی‌تاثیر نبوده است. مثلا در همین رابطه نشستند بحث کردند و نتیجه گرفتند و یک دفعه اعلام کردند که اجرای این طرح بیشتر باید اعلامی (رسانه‌ای) باشد تا اعمالی و اجرای قانون. مثلا آقای رئیس جمهور در همان شرایط فتنه ۸۸ بعد از انتخابات رسما اعلام کردند که ما با شکل اجرا ی قانون عفاف و حجاب مخالفیم و اعلام کردند که نیروی انتظامی تحت امر ما نیست. البته نگفتند خودسر عمل می‌کنیم، لطف کردند گفتند نیروی انتظامی تحت امر ما نیست. خب معلوم است که ما خودسر نیستیم و سرخود هم عمل نمی‌کنیم. قانونی است که باید اجرا شود و نیروی‌انتظامی مسئول اجرای آن است. همان موقع ایشان با بنده صحبت کردند و پیشنهادشان این بود که می‌گفتند؛ متخلفین از عفاف و حجاب (همین تیپ‌های مانکنی پراکنده در خیابان‌ها) را چهار گروه کنیم و برخورد با آن‌ها نیز متناسب با گروهی باشد که درآن قرار دارند. گروه اول کسانی که نیات سیاسی دارند و برای دهن کجی به نظام دست به این کارها می‌زنند، گروه دوم زنان بدکاره خیابانی، گروه سوم مانکن‌ها، کسانی که نیروهای استخدام شده تولیدکننده‌های لباس‌های مبتذل غربی به حساب می‌آیند که در قبال دریافت مبلغی پول این لباس‌ها را می‌پوشند و در خیابان‌ها می‌گردند تا برای تولید کننده مشتری پیدا کنند. گروه چهارم هم غافلین هستند که معمولا بیشترین افراد را در خود جای می‌دهند. پیشنهاد این بود که با سه گروه اول برخورد شود و گروه چهارم یعنی غافلین را با ارشاد و نصیحت به خانه‌هایشان راهی کنیم. پیشنهاد و طرح خوبی بود اما سؤال ما این بود که با چه مکانیزمی نیت این‌ها را بفهمیم و چه جوری در این گروه‌ها قرارشان دهیم. اگر ماجرای "گشت نسبت" یادتان باشد، یک عده‌ای با یک سری کارهای جعلی به نام نیروی انتظامی راه انداخته بودند و جلوی مردم را می‌گرفتند. آن‌ها کارشان را با نیت خوانی پیش می‌بردند، حتی در وسط خیابان برگه جریمه هم صادر می‌کردند، مثلا برای ناخن و لاک ناخن جریمه ۷۵ هزارتومانی صادر می‌کردند. اصلا چنین گشتی در نیروی انتظامی وجود خارجی نداشت. به‌طوری‌که با شکایت ما آن افراد دستگیر شدند. حتی مسئولان مجله‌ای که خودسرانه دست به این کار زده بودند عذرخواهی هم کردند. بنده همان جا به آقای احمدی نژاد با توجه دادن به آن سابقه عرض کردم که "گشت نسبت" برای ما درست کردند با این پیشنهاد شما فردا "گشت نیت" را هم به ما می‌بندند. در این طرح اولین سوالی که خواهند پرسید این است که شما نیت ما را از کجا متوجه شدید، یا از کجا متوجه شدید که ما داریم دهن کجی سیاسی می‌کنیم، از کجا می‌دانید که ما ضد انقلاب یا بدکاره‌ایم. مگر بدکارگی به این راحتی‌ها قابل اثبات است؟!. لذا وقتی اجرای این پیشنهاد میسر نشد، گفتند؛ پس فتیله رسانه‌ای آن را پایین بکشید ما هم گفتیم حالا که احساس می‌کنید برای مردم مشکل درست می‌کنیم کارهایمان را کمتر رسانه‌ای می‌کنیم!

*** تاثیر گذاری قوانین و اجرایی شدن طرح‌هایی مثل عفاف و حجاب به رسانه‌ای شدن آن است، یک نوع کارفرهنگی برای جلوگیری از توسعه منکرات است این‌طور نیست؟**

احمدی‌مقدم: قطعا همین‌طور است. وقتی خبر مربوط به دستگیری هزار نفر از اراذل و اوباش را رسانه‌ای نکنیم هیچ‌کس احساس امنیت نمی‌کند. اما وقتی ده نفر از این قماش افراد را می‌گیریم و به صورت علنی برخورد محکم و جدی می‌کنیم ۹۹۰ نفر دیگر از این دست اراذل و اوباش فرار می‌کنند یا خانه نشین می‌شوند. مردم هم احساس امنیت می‌کنند. معلوم است که در چنین شرایطی رسانه‌ها باید درخدمت امنیت باشند. یواشکی که نمی‌شود فساد را از کشور پاک کرد، مگر این بدحجاب‌ها یواشکی آمده‌اند در خیابان خود نمایی می‌کنند و به فساد و انحراف این جامعه مشغول هستند که ما هم یواشکی کارخودمان را بکنیم؟!. کار فرهنگی و نصیحت و ارشاد هم جای خود را دارد. ما که آن را تعطیل نکرده‌ایم.

*** چند درصد کسانی که در ارتباط با عفاف و حجاب دستگیر می‌شوند تخلفاتشان از سرغفلت و ندانم‌کاری است؟**

احمدی‌مقدم: به عنوان خبرنگار پی‌گیری کنید، خواهید دید که ۹۵ درصد کسانی که توسط این گشت‌ها احضار می‌شوند و سپس آزاد می‌شوند تکراری نیستند، یعنی اولین بارشان است که مرتکب چنین خطایی می‌شوند. خب این‌ها با رفتار درست و به روش‌های صحیح با حضور پدر و مادرشان مشاوره و نصیحت می‌شوند، تعهد می‌دهند و سپس آزاد می‌شوند. شاید برای بار دوم نیز دچار خطاهای مشابه شوند ولی برای بار سوم بسیار نادر است. این نشان می‌دهد که این روش بسیار تاثیرگذار است. اگر نام این کار فرهنگی نیست پس چیست؟. درصورتی که اگر می‌خواستیم با متر قانون حرکت کنیم به خاطر اینکه جرم صورت گرفته باید پرونده تشکیل می‌شد و به دادسرا می‌رفت و حکم صادر می‌شد، اما باتوافقی که با دستگاه قضایی داریم سعی کرده‌ایم که با این روش از این روند جلوگیری کنیم.

*** این‌که فرمودید نیروی انتظامی باید بنا به فرمایش آقا کار قانونی‌اش را انجام دهد کاملا درست است ولی برخی از رسانه‌ها به نقل از شما گفتند که در سفر اخیرتان به قم در دیدار با آیت‌الله‌مکارم‌شیرازی مطلبی را گفته‌ایدکه اندکی با این استدلالتان منافات دارد. فرمودید که کار فرهنگی اولویت دارد برکار قانونی و اجرایی در صورتی‌که حضرت آقا در دوران حاکمیت دوم خردادی‌ها وقتی مدیریت فرهنگی آقای مهاجرانی که امروز در اردوگاه دشمن علیه نظام در حال فعالیت است ناامید شدند در پاسخ به سخنان مایوسانه ایشان در خصوص مقابله با ماهواره‌های فرهنگی و شبیخون فرهنگی دشمن مثال خوبی زدند....؟**

احمدی‌مقدم: بله، حضرت آقا مثال خاکریز را زدند...

*** فرمودند؛" شما کار خودتان را باید بکنید قانون هم باید کار خودش را بکند. چرا شما ناامیدانه حرف می‌زنید شما بروید کاری کنید و تلاش کنید تاثیرگذاری ماهواره‌ها را خنثی کنید، نیروی انتظامی هم وظیفه‌اش این است که برای اجرای مصوبه مجلس که قانون است برود ماهواره دشمن را از پشت بام‌ها بردارد." دلیل خاصی داشتید که این مطلب را در قم به این شکل عنوان کردید؟**

احمدی‌مقدم: ببینید! اولا معمولا همه صحبت‌ها که در رسانه‌ها انعکاس نمی‌یابد، در اینجا هم بخش‌های گزینش شده‌ای از سخنان بنده منعکس شده که ممکن است دقیق هم نگارش نشده باشد. بنده آنجا در پاسخ به سوالی تاکید کردم، اینکه برای تربیت جامعه کار فرهنگی اولی‌تر ازکار انتظامی است شکی نیست منتها یک عده‌ای به این بهانه می‌خواهند کارانتظامی را تعطیل‌کنند و بنده تاکید داشتم که این کار و تفکر غلط است. البته این را هم در نظر داشته باشید چنین بحثی در نزد فقها هم رایج است که دو نوع تقدم داریم یکی تقدم رتبی و دیگری تقدم زمانی. کارفرهنگی در تقدم رتبی اولی است اما متقابلا در تقدم زمانی کارانتظامی و اجرای قانون اولی است. این به آن معناست که ما نمی‌توانیم کار انتظامی را تعطیل کنیم تا دستگاه‌های فرهنگی بروند نصیحت کنند. مثل این است که به کسی که از چراغ قرمز عبور کرده است بگویید آیا شما نصیحت شدید؟ اگر گفت، نه بگوییم، اشکالی ندارد این دفعه نصیحت می‌کنیم بعد اگر تکرار شد جریمه خواهید شد. درصورتی که این روال غلطی است. ما اول جریمه‌اش را گوشزد می‌کنیم همان موقع نصیحتش هم می‌کنیم. اینجاست که کار انتظامی تقدم زمانی پیدا می‌کند. واقعیت این است، همان کسانی هم که چنین حرفی را می‌زنند و معتقدند در تقدم زمانی هم کارفرهنگی اولی است به وظایف خود در این رابطه عمل نمی‌کنند چراکه نیت اصلی‌شان از طرح این موضوعات متوقف کردن کار ماست.

*** چه مکانیزمی برای تعطیلی واحدهای صنفی متخلف دارید، آیا صرف اینکه در قهوه خانه‌ای رفت‌وآمد مشکوکی وجود دارد یا رستورانی به مکان تجمع افراد ناباب تبدیل شده است می‌تواند مجوزی برای پلمب این واحدها باشد؟**

احمدی‌مقدم: اولا طبق قانون نظام صنفی اصناف اتحادیه دارند، بازرس دارند. بازرسین بازرسی می‌کنند و درصورت مشاهده تخلف اخطار صنفی اول برایش صادر می‌کنند اگر توجهی به آن نشد موضوع به پلیس اماکن گزارش می‌شود. پلیس اماکن هم در صورت مشاهده تخلف اخطار پلمب را به واحد صنفی متخلف می‌دهد اگر باز رعایت نشد واحد صنفی یاد شده پلمب می‌شود. بقیه کار از این به بعد برعهده دستگاه قضایی است. دقیقا شبیه کاری که سازمان تعزیرات حکومتی در مبارزه با گرانفروشان می‌کند.

*** از قدیم نقش خانواده در تربیت فرزندان برتر نشان داده می‌شد، اما به نظر می‌رسد این استدلال با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی و در شرایطی که اینترنت حتی به درون اتاق‌های خواب بچه‌ها نیز وارد شده است منطق خود را از دست داده باشد. فکر نمی‌کنید چنین انتظاری از پدر و مادرها درچنین شرایطی به دور از انصاف باشد؟**

احمدی‌مقدم: با توجه به پیشرفت تکنولوژی شاید نقش‌ها در تربیت فرزندان تغییریافته یا جابه‌جا شده باشد، ولی در هر صورت باز مشاهده می‌کنید بچه پرورش یافته در خانواده شما با بچه پرورش یافته در خانواده یک معتاد با هم تفاوت در تربیت دارد به همین خاطر هنوز ما نمی‌توانیم نقش خانواده را نادیده بگیریم .

*** خب، برخی از مسئولین مملکتی هم داریم که برخی از فرزندانشان نااهل از آب درآمده اند و برعکس...؟**

احمدی‌مقدم: این‌ها استثنا هستند. اگر در خانواده مؤمن بچه‌ای بد از آب دربیاید استثناست، کما این‌که اگر در خانواده معتاد، دزد، قاچاقچی یا رباخوار هم بچه‌ای خوب از آب درآید استثناست. نقش خانواده در این باب همچنان نقشی کلیدی است، این را هیچ کس در هیچ جای دنیا نمی‌تواند نفی کند. اتفاقا جاهایی که با همین استدلال خانواده را تضعیف کردند و برروی موج فمینیسم نشستند و نقش مادر را از او سلب کردند و این نقش را به مهدکودک‌ها و کودکستان‌ها سپردند، می‌بینیم که این مشکلات با شدت تمام دامنگیرشان شده است. بنابراین اگر هر چه می‌توانیم بنیان خانواده را تحکیم کنیم بی‌تردید در پیشگیری از جرم و رفتارهای سوء و آسیب‌های اجتماعی موفق‌تر خواهیم بود، ولی متاسفانه درجریان جهانی امروز که ما هم لاجرم بر این ریل جهانی سوارهستیم نا خودآگاه خودمان هم همین جور داریم حرکت می‌کنیم و متأسفانه در حال تقلیل دادن نقش و کارآمدی خانواده هستیم . لذا ما نیز باید این خطر را پشت گوش جامعه خودمان حس کنیم و متوجه باشیم که هر چه خانواده تضعیف شود، طلاق افزایش یابد، ازدواج‌ها به تأخیر بیفتد یا نقش تربیت فرزند به بیرون خانواده سپرده شود این آسیب‌ها بیشتر و بیشترخواهد شد.

*** در باره این جمله که بنده عرض می‌کنم، فارغ از این‌که این عبارت از کیست و چه کسانی از آن حمایت می‌کنند چه نظری دارید"... شما به جای بستن رستوران‌ها و کافی شاپ‌ها بروید کار فرهنگی بکنید و بگذارید مردم خودشان راه خودشان را انتخاب کنند..."؟**

احمدی‌مقدم: این یک تفکر و نگاه لیبرالی از جنس فرهنگی است. این‌ها به اشتباه فکر می‌کنند که غربی‌ها با این همه رسانه‌هایی که در اختیار دارند می‌گذارند که ملت‌ها خودشان راهشان را انتخاب کنند. مثلا خیال می‌کنند هالیوود بیکار می‌نشیند تا مردم راه خودشان را پیدا بکنند. ما فکر می‌کنیم کشور ما نیز به عنوان یک نظام اسلامی به جای تسلیم شدن در برابر این گونه تفکرات باید ادعای فرهنگ سازی داشته باشیم و از ارزش‌هایمان دفاع کنیم که بافلسفه کربلا نیز هماهنگی کامل دارد. مگر اباعبدالله (ع) برای امربه معروف و نهی از منکر و برای مبارزه با انحراف در جامعه قیام نکردند؟ ایشان هم می‌توانستند به تبعیت از این تفکری که برخی امروز از آن سخن می‌گویند مردم را به امان خدا رها کنند تا خودشان راهشان را پیدا کنند. پس به نظر صاحبان تفکراین همه انبیا و اولیا و ائمه برای چه آمدند وچرا در حدود اسلامی این همه حد و تعزیرات برای شراب و قمار و سرقت دیده شده است؟ به نظر بنده این تفکر هیچ وجاهت شرعی و قانونی ندارد.

*** اگر یادتان باشد قبل از انقلاب محله فسادی بود در یکی از میادین تهران که به محله بدنام‌ها معروف بود آن موقع تکلیف ما که در سنین نوجوانی و جوانی به سر می‌بردیم دراین مورد مشخص بود مثلا پدرما وقتی هشدارهای لازم را به ما می‌داد متوجه می‌شدیم که از محدوده چند صد متری این منطقه نباید عبور کنیم. در ذهنمان یک حریمی ایجاد شده بود علیه این محله ولی بعد از انقلاب وقتی آنجا خراب شد میکروب‌های در حال انتشار آن مثل ویروس تمام تهران را فرا گرفت. روزی نیست که خبری در رابطه با کشف خانه فساد نداشته باشیم فکر می‌کنید آن موقع کارشناسی شده عمل نشد یا الان درست عمل نمی‌شود و برای ایجاد جامعه‌ای پاک نیروی انتظامی باید تلاشش را بیشتر کند؟**

احمدی‌مقدم: این می تواند در مورد مشروب فروشی و خیلی چیزهای دیگر هم مصداق داشته باشد بنابراین نمی‌توان جواز شرعی و قانونی برای عدم جلوگیری از منکرات قائل باشد. این طور نبود که فاحشه‌ها قبل ازانقلاب در یک جا جمع بودند بلکه به رغم وجود آن مکان، درکل تهران پراکنده بودند. حتی در مسیر مدرسه‌ای که در خیابان دماوند می‌رفتم از این زن‌ها بودند با ظواهری کاملا زننده و محرک و حتی خطرناک‌تر از الان . خیلی آشکارا همه جای تهران بودند و این طور نبوده که همه جا جلویشان را می‌گرفتند. حالا شاید یک پاسبانی هم می‌آمد یکی را دستگیر می‌کرد و می‌برد، اما فردا باز همان‌ها سرجایشان بودند. این که می‌گویید تعدادشان زیاد شده است اتفاقا این طور نیست و آمارها نشان می‌دهد که تعدادشان خیلی پایین هم آمده است.

*** نیروی انتظامی چه تعداد بازداشتگاه رسمی دارد؟**

احمدی‌مقدم: آمار دقیق ندارم، ولی بازداشتگاه‌هایی‌که رسمی هستند عمدتا تحت نظر اداره آگاهی، پلیس مواد مخدر و سپس پلیس امنیت قرار دارد وتعداد کمی هم در مراکز استان‌ها و برخی شهرهای بزرگ و کوچک قرار دارد. بازداشتگاه‌ها از سازمان زندان‌ها ابلاغ رسمی دارند.

*** قانونا چه مدت می‌توانید متهم را در بازداشتگاه نگه دارید؟**

احمدی‌مقدم: به محض اینکه برای متهم بعد از تحقیقات اولیه تشکیل پرونده شود و برایش قرار بازداشت صادر شود همراه مامور تحویل سازمان زندان‌ها می‌شود. اما قاضی ممکن است برای ادامه تحقیقات مجددا متهم را در اختیار ضابط خاص خودش که عمدتا آگاهی است قرار دهد.

*** متهمین در کجا بازجویی می‌شوند، در بازداشتگاه یا زندان؟**

احمدی‌مقدم: اگر متهم در زمان تحقیقات به زندان اوین منتقل شده باشد مأمور تحقیق می‌رود همان‌جا بازجویی می‌کند. ممکن هم است برای ادامه تحقیقات متهم را در اختیار یکی از بازداشتگاه‌های آگاهی قرار دهند. ولی به هرحال بازجویی‌ها در مرحله کشف جرم با نظارت مستمرقاضی پرونده صورت می‌گیرد.

*** این ادعا که متهمین در این مقطع شکنجه می‌شوند صحت دارد؟**

احمدی‌مقدم: طبیعتا اگر چیزی تحت این عنوان صورت بگیرد در این مقطع رخ می‌دهد. در مرحله دستگیری هم ممکن است یکی را دستگیر بکنند اگر مقاومت کرد مأمور امکان دارد او را به شدت کتک بزند.

*** حق کتک زدن را دارند؟**

احمدی‌مقدم: اگر متهم موقع دستگیری مقاومت نکند کتک زدنش ممنوع است. کتک زدن برای شکستن مقاومت متهم در برابر قانون است. اما به محض دستگیری و زدن دستبند به دست‌ها هیچ ماموری حق کتک زدن ندارد.

*** در ارتباط با قضیه ستار بهشتی وبلاگ نویس فوت شده بیشتر توضیح دهید.**

احمدی‌مقدم: تحقیقات در باره این پرونده در حال حاضر در اختیار دستگاه قضایی است بنابراین اجازه بدهید که در یک فرصت دیگری به این سوال پاسخ بدهم.

*** به هرحال شما یکی از مسئولین را به خاطر همین قضیه برکنار کردید حداقل در این رابطه توضیح بدهید؟.**

احمدی‌مقدم: من عرض کردم، پرونده فعلا در اختیار قوه قضائیه است. دستگاه قضایی از همان روز اول حادثه پرونده را در اختیار خودش گرفت. دراین رابطه ۷ نفراز نیروهای ما در مظان اتهام قرار گرفتند که بازداشت موقت شدند ولی در همان تحقیقات اولیه در دادسرا سه نفر از آن‌ها آزاد شدند. آنچه برای دستگاه قضا مسلم شده است نقش داشتن هرکدام از این چهار نفر به نحوی از انحا در وقوع حادثه منجر به فوت ستار بهشتی بوده است. در مورد علت فوت این وبلاگ نویس هم دادستان فعلا اعلام نظرکرده که در این رابطه قتلی صورت نگرفته ولی قصور چرا. از نظر دادستان ماموران می‌توانستند رفتارهایی داشته باشندکه از مرگ وی پیشگیری کنند. مثلا هیچ نیازی و ضرورتی به تحویل متهم برای بازجویی در روزهای تعطیل که معمولا بازجویی هم تعطیل می‌باشد، نبود و می‌توانستیم این کار را روز یکشنبه یا دوشنبه بعد از پایان تعطیلات انجام دهیم. دومین قصوری که در این رابطه صورت گرفته است نگهداری از این متهم پس از تحویل گرفتن از زندان در بازداشتگاهی است که صرفا یک محل اداری است و مجهز به دوربین نیست تا بتوان وضعیت جسمانی و روحی متهم را لحظه به لحظه چک کرد. سومین قصور هم ندادن داروی آرامبخش به متهم بوده که البته نسخه‌ای هم همراه نداشته است.

*** همراه نداشتن نسخه دلیل برای ندادن دارو نمی‌توانست باشد، ماموران برای اطمینان می‌توانستند از دکتر دیگری بخواهند تا معاینه‌اش کند...؟.**

احمدی‌مقدم: بله، البته دستگاه قضایی این فرضیه را که ممکن است متهم در اثر نخوردن آن دارو فوت کرده باشد رد کرده است، ولی در هر صورت متهم وقتی می‌گوید سرش درد می‌کند و اطلاع می‌دهد که در این رابطه نسخه ندارد مأموران باید تحقیق کنند و مأمور پزشک بیاورند و حق ندارند از کنار آن بی‌تفاوت عبور کنند.

بقیه در صفحه ۸